عدم تغیر در ذات الهی؛ اراده، صفت فعل

شاگرد: در غضب، خداوند از حال غیر غضب به حال غضب تغییر حال می‌دهد ... .

استاد: محال است. ذیل آیه‌ی شریفه «فَلَمَّآ آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ»[1] دارد. محال است که خداوند به این غضب مخلوقین، غضب کند. غضبی که در مورد خداوند متعال می‌گوییم، صفت فعل است. صفت فعل به چه معنا است؟ یعنی وقتی عذاب می‌آید و آثار کار خودشان را می‌بینند، می‌گوییم «هذا العذاب، هذا الکیفر المتفرع» بر عمل او غضب اللّه علیه می‌شود. به این صفت فعل می‌گوییم. مثل اراده است. صفت فعل، مانعی ندارد. اما اینکه غضب به‌معنای یک صفت طاری باشد، امام علیه‌السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا أَسَفُ كَأَسَفِنَا وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ أَوْلِيَاءَ لِنَفْسِهِ يَأْسَفُونَ وَ يَرْضَوْنَ وَ هُمْ مَخْلُوقُونَ مَرْبُوبُونَ فَجَعَلَ رِضَاهُمْ رِضَا نَفْسِهِ وَ سَخَطَهُمْ سَخَطَ نَفْسِهِ»[2]. این روایت در ذیل این آیه آمده است و الا محال است که غضب بر ذات خداوند متعال بیاید. همانطوری که اراده هم نمی‌شود. ما طوری نگوییم که خدا قبلاً اراده نکرده بود و بعداً اراده کرد. این اصلاً محال است.

صاحب اسفار هم می‌گوید: روایات اهل البیت علیهم‌السلام اراده را صفت فعل می‌گیرند. امام رضا علیه‌السلام با آن متکلم مروزی مناظره‌ی مفصلی دارند. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: اراده صفت فعل است. او همینطور رفت‌وبرگشت می‌کند و چند بار گیر می‌کند. مناظره‌ی مفصلی است. اراده، صفت فعل است. در آن چیزی که رایج و معلوم از روایات است. تاویلی می‌کنند و می‌گویند اراده یعنی حب، صفت حب را هم به ذات بر می‌گردانند و بعد می‌گویند به این تاویل، اراده می‌تواند صفت ذات باشد. آن یک نحو تاویلی است.

شاگرد: هر تاویلی هم که باشد، اینطور تغیر که در ذات نمی‌رود.

استاد: اصلاً به‌هیچ‌وجه. چه اراده را صفت ذات بگیرند؛ طبق میانی که حکماء گفته‌اند. لازمه‌ی آن این نیست که تغیر در ذات بیاید. آن جای خودش است. اما اینکه اراده، صفت فعل باشد، خیلی روشن است. صفت فعل است و ربطی به ذات ندارد. محال است تغیر در ذات بیاید.

شاگرد: قدرت هم همینطور است. خلق بعد از عدم را نمی‌توانند یک نوع تغییری گفت؟

استاد: قدرت، صفت ذات است. همچنین قدرتی داریم که صفت فعل است. یعنی بعد از ایجاد می‌گوییم ... .

شاگرد: چطور می‌توان فرض کرد که خداوند باشد، ولی قدرتش نباشد؟

استاد: صفت ذات همین است.

شاگرد: خُب، چطور است که در بحث خلقت می‌گویند: خلق بعد از عدم؟

استاد: مانعی ندارد. خلق بعد از عدم، چون با کُن ایجادی به مشیت ازلیه، کل نظام را خلق می‌فرماید، الآن اراده صفت فعل می‌شود برای مرد. صفت فعل به چه معنا است؟ یعنی وقتی فعل را با خالق آن در نظر می‌گیری‌د، می‌گویی‌د اراد. اراده صفتی است برای موطن خودِ فعل. نه موطن ذات. نه این‌که ذات اراده کرد و قبلش اراده نکرده بود. بعد اراده کرد و حالا این فعل موجود شد. این از مسلمات کلام و حکمت است که محال است. این جزو محکمات مباحث است که به‌هیچ‌وجه تغیر در ذات راه ندارد. آن شعر معروف می‌گوید:

نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل بی شریک است و معانی تو غنی دان خالق

«محل» در کتب کلامی به این معنا است. یعنی خدای متعال محل حلول صفات و اوصاف نیست. این‌که صفات و اوصاف در او حلول بکند و از حالی به حالی دیگر برود، جزو صفات سلبیه مسلمه است.

شاگرد: الآن یک نفر کار عبادت خوب می‌کند و یک نفر گناه کبیره انجام می‌دهد. خداوند نسبت به این دو فعل، منفعل نیست؟ از این خشنود شود و نسبت به آن سخط داشته باشه؟ قبل از این‌که بخواهد فعلی صورت بگیرد.

استاد: اگر منفعل شود، مخلوق می‌شود.

شاگرد: بالأخره از یک عبادتی خشنود نمی‌شود؟

استاد: خدا خشنود نمی‌شود که مثل بندگانش عیالی داشته باشد و فرزندی داشته باشد؟! خُب، چطور دیگران می‌خواهند داشته باشند؟! چه مانعی دارد؟!

شاگرد: پس خداوند خشنود نمی‌شود.

استاد: رضایت از صفات فعل است. اگر هم به ذات برمی‌گردانید، باید حتماً ضوابط را مراعات کنید. همان است که دقت دارد. اهل البیت علیهم‌السلام که می‌گویند اراده صفت فعل است، برای تلقی عموم از اراده است. محال است شما به نحو عموم تلقی از اراده داشته باشید و بتوانید آن را صفت ذات بگیرید، بدون افتادن در این ورطه که خداوند را محل حوادث بگیرید. بالریب خداوند محل حوادث نیست. لذا اراده، صفت فعل است. کسی هم که با زحمتی می‌خواهد بگوید که اراده صفت ذات است، باید کامل مواظب باشد؛ تاویلی بکند و حرفی بزند که خداوند را محل حوادث نکند.

شاگرد ۲: این‌که می‌گویند صفت ذات است، یعنی کامل متوقع از اراده، به نحو عینیت، با ذات است.

---

[1]. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۵۵.

[2]. شیخ کلینی، الکافي (چاپ اسلامیه)، ج ۱، ص ۱۴۴.

بازبینی #1
ایجاد شده 23 ژوئیه 2024 16:11:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 ژوئیه 2024 16:12:14 توسط ... .